

کارکردهای ازدواج به منزله استدلالی به نفع اخلاقی بودن ازدواج (بررسی قرآنی)

محمد جواد فلاح*

دانشیار اخلاق اسلامی دانشگاه معارف اسلامی، قم، ایران

نسیم کرنوکر

دانش آموخته اخلاق اسلامی دانشگاه معارف اسلامی، قم، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۸/۱۶؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۴/۰۴)

چکیده

امروزه برخی با استدلال بر غیر اخلاقی بودن ازدواج به این امر ارزشمند و مقدس تاخته‌اند. برای چنین شبهاتی می‌توان استدلال‌های مختلفی ارائه کرد که مستندات دینی از جمله آن‌هاست. قرآن کریم در آیاتی که درباره ازدواج بیان نموده، به مهم‌ترین کارکردهای ازدواج و تشکیل خانواده اشاره کرده است که می‌توان از این کارکردها به منزله استدلال برای اخلاقی بودن ازدواج بهره برد. این مقاله به مهم‌ترین کارکردهای جامعه‌شناختی، روان‌شناختی و اخلاقی- تربیتی ازدواج توجه نموده است. از نظر قرآن، خانواده اولین، مهم‌ترین و پربرکت‌ترین نهاد اجتماعی در تاریخ فرهنگ و تمدن انسانی است. خانواده کانونی است که باید برای حفظ حرمت و کرامت انسان و نیز تأمین سلامت جسمانی، روانی و رشد معنوی او استحکام یابد. قوام خانواده به منظور تداوم انسجام جامعه و تأمین محیطی سالم برای زیستن انسان‌ها ضرورتی انکارناپذیر است. خانواده با پیمان ازدواج و پیوند همسری زن و مردی هوشمند، آگاه و برخوردار از بلوغ فکری و قابلیت‌های اجتماعی پایه‌گذاری می‌شود و این زوج ستون اصلی حیاتی‌ترین نهاد اجتماعی، یعنی «خانواده» را تشکیل می‌دهند. تبیین ضرورت ازدواج و تشکیل خانواده می‌تواند مهم‌ترین چالش‌های نظری و عملی پیش روی ازدواج را در عصر حاضر پاسخگو باشد و با تأثیر در حوزه فهم و بینش افراد، آنان را نسبت به این نهاد ضروری متمایل سازد.

واژگان کلیدی: اخلاق خانواده، خانواده قرآنی، اخلاق کاربردی، ازدواج، کارکردهای ازدواج.

* نویسنده مسئول) E-mail: mjfallah.ac@gmail.com

مقدمه

در عصر مدرن و روزگار تکنولوژی، به بهانه‌های مختلف به نهاد خانواده حمله شده است و با استدلال‌های مختلف و پیشنهاد روش‌های بدیل ازدواج، مثل ازدواج سفید یا روابط آزاد، این نهاد تاریخی و رفیع را باچالش‌هایی مواجه ساخته‌اند، تا جایی که برخی نهاد خانواده را نهادی غیر اخلاقی عنوان کرده‌اند (Moller, 2003:79) که برخی از محققان ضمن طرح این اشکالات، به آن‌ها پاسخ داده‌اند (ر.ک؛ اسلامی، ۱۳۹۲: ۹).

از نگاه دینی، تحلیل ازدواج به عنوان یک ضرورت از ابعاد گوناگون درخور بررسی است. ابعادی مثل جامعه‌شناختی، روان‌شناسی، فرهنگی و اخلاقی از جمله مواردی است که می‌توان برای ضرورت و اهمیت ازدواج و یا حتی اخلاقی بودن چنین نهادی به شکل تحلیلی سخن گفت و با این وصف، بررسی آیات قرآن در این زمینه می‌تواند راهگشا باشد. نویسندگان نیز در مقاله حاضر بر اساس دسته‌بندی مشخصی، به آیاتی که به نحوی ضرورت و جایگاه ازدواج و تشکیل خانواده را مد نظر داشته‌اند، به شکل تحلیلی و با استفاده از مهم‌ترین تفاسیر توجه کرده‌اند.

قرآن در آیه ۱۱ سوره شوری و آیه ۳۸ سوره رعد به اهمیت و ضرورت این نهاد ارزشمند اشاره کرده است که مفسران ذیل آن نکاتی را فرموده‌اند؛ به عنوان نمونه، شیخ طبرسی در مجمع‌البیان ذیل این آیه شریفه می‌نویسد:

«پاره‌ای از مردم بهانه‌جو و حق‌ستیز، رسول خدا^(ص) را به دلیل ازدواج و تشکیل خانواده سرزنش می‌نمودند و می‌گفتند: اگر این مرد به راستی پیامبر خدا بود، رسالت و پیام‌رسانی خدا او را از ازدواج و گزینش همسر بازمی‌داشت. از این رو، این آیه شریفه در پاسخ آنان فرود آمد که پیامبران پیشین نیز همسر اختیار و ازدواج می‌کردند» (ر.ک؛ طبرسی، ۱۳۸۰، ج ۷: ۲۹۶).

این اهمیت و ضرورت تا جایی است که خدا در قرآن امر به ازدواج نموده است، آن هم فعل را به صورت جمع آورده است، آنجا که می‌فرماید: ﴿وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَىٰ مِنْكُمْ

وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ.
مردان و زنان بی همسر خود را همسر دهید. همچنین، غلامان و کنیزان صالح و درستکاران را. اگر فقیر و تنگدست باشند، خداوند از فضل خود آنان را بی نیاز می‌سازد. خداوند گشایش دهنده و آگاه است ﴿النور/ ۳۲﴾. از این رو، به تعبیر علمای تفسیر، تصریح به امر ازدواج در این آیه شریفه، دلیل بر اهمیت ویژه آن می‌باشد (ر.ک؛ مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۶۲، ج ۱۴: ۴۵).

در روایات نیز با تعبیری چون «محبوب‌ترین بنا» (مجلسی، ۱۴۰۳ق.، ج ۱۰۰: ۲۲۲، ح ۴۰؛ حرّ عاملی، ۱۳۶۷، ج ۱۴: ۳؛ طبرسی، ۱۳۹۲: ۱۹۶)، «عامل تکمیل دین» (کلینی، ۱۴۰۷ق.، ج ۵: ۳۲۹، ح ۲)، «نشانه پیروی از سنت پیامبران^(ع)» (همان: ۳۲۰)، «موجب ازدیاد نسل» (شعیری، بی تا: ۱۰۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق.، ج ۴۴: ۱۶۹ و قمی، بی تا، ج ۳: ۵۰۹)، «موجب ازدیاد مسلمانان» (صدوق، ۱۴۰۴ق.، ج ۳: ۳۸۲، ح ۴۳۴۰؛ طبرسی، ۱۳۹۲: ۱۹۶؛ ابن ابی‌جمهور، ۱۴۰۵ق.، ج ۳: ۲۸۸؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق.، ج ۲۰: ۱۴ و حرّ عاملی، ۱۴۱۲ق.، ج ۷: ۶۶)، «نشانه پیروی از سنت پیامبر اکرم^(ص)» (حرّ عاملی، ۱۳۶۷، ج ۲۰: ۱۷)، «بهترین بهره و سود» (همان، ج ۱۴: ۲۳)، «موجب رضایت الهی» (همان: ۵) و «موجب کسب طهارت معنوی» (همان: ۶، ح ۱۵ و مجلسی، ۱۴۰۳ق.، ج ۱۰۳: ۲۲۰، ح ۱۸) نشانگر ضرورت و جایگاه چنین نهاد ثمربخشی است که می‌تواند به عنوان ادله دینی در ارزشمندی و اخلاقی بودن ازدواج از آن یاد کرد.

در روایات دیگری، از ازدواج به عنوان «سنت» پیامبران^(ع) یاد شده است (ر.ک؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق.، ج ۱۰۰: ۲۲۰ و کلینی، ۱۴۰۷ق.، ج ۵: ۴۹۶) که نشانگر قداست آن است و چیزی که سنت پیامبران^(ع) است، نمی‌تواند امری معمولی، زمینی و بی‌اهمیت باشد.

فراتر از رهنمودهای پیشین، در روایات دیگری تأکید شده است که ارزش عبادت افراد متأهل، افزایش چشمگیری می‌یابد. بر همین اساس، عبادت کسی که صاحب همسر است، بر عبادت فرد مجرد ترجیح دارد (ر.ک؛ کلینی، ۱۴۰۷ق.، ج ۵: ۳۲۹ و حرّ عاملی،

۱۳۶۷، ۲۰: ۱۸). بنابراین، اگر ازدواج امری غیراخلاقی و یا معمولی می بود، باعث افزایش ارزش عبادت نمی گردید.

مجموعه این معارف بیانگر ارزشمندی ازدواج است و می تواند برای مطلوبیت ازدواج و کسانی که بر غیر اخلاقی بودن ازدواج اصرار دارند، کارایی داشته باشد که مسئله مقاله حاضر نیست. در این مقاله، جدا از اهمیت و جایگاهی که ازدواج در قرآن به عنوان یک سنت دینی و دستور الهی دارد، به ابعاد جامعه شناختی، روان شناختی و تربیتی این ضرورت به عنوان منبع اخلاق بودن آن توجه، و دلالت های قرآنی آن را بررسی خواهیم کرد. این مقاله بر چند مسئله استوار است: نخست اینکه ازدواج از منظر قرآن چه کارکردهایی دارد و مبتنی بر این کارکردها چگونه می تواند به نفع ازدواج و تشکیل خانواده استدلال کرد. ما با تحلیل آموزه های قرآنی و به روش توصیفی-تحلیلی به این دو مسئله خواهیم پرداخت و با تحلیل آیات الهی و تبیین کارکردهای چندگانه ازدواج از منظر قرآن به نفع ازدواج بهره خواهیم برد.

۱. استدلال به کارکردهای جامعه شناختی به سود ازدواج

پرسش اصلی این است که آیا اجتماع انسانی می تواند بدون ازدواج سامان یابد و اگر فرض کنیم امر ازدواج و تشکیل خانواده از بین جوامع رخت برنندد، اجتماع انسانی با چه مشکلاتی روبه رو خواهد شد! این مسئله ابعاد مختلفی دارد. هرچند ازدواج از یک نظر، مسئله ای شخصی و خصوصی است، ولی از نگاهی دیگر، جنبه و اهمیتی اجتماعی دارد. بر این اساس، ازدواج از ارکان مدنیت و راهی مطمئن برای تأمین آسایش جامعه و رفاه بشریت است. سود و زیان ازدواج تنها متوجه زوجین نیست، بلکه افراد اجتماع نیز به گونه ای از آن برخوردار می شوند. بی تردید ازدواج رابطه ای است که طرفین ربط را تا حد زیادی از بی بندوباری، روابط نامشروع و انحرافات اخلاقی و جنسی مصون می دارد. این موضوع به تناسب حال طرفین، محیط اجتماعی و امکان انجام سایر گناهان متفاوت

است (ر.ک؛ محمودی، ۱۳۹۲: ۱۱۶). مسئله ازدواج و تشکیل خانواده در شرع مقدس، امر بسیار مهمی است و فواید بسیاری هم دارد، اما مهم ترین فایده و هدف ازدواج، تشکیل خانواده است. باید توجه داشت که انتقال فرهنگ ها و تمدن ها و حفظ اصول و عناصر اصلی یک تمدن و یک فرهنگ در یک جامعه و انتقال آن به نسل های پی در پی، به برکت خانواده انجام می گیرد. اگر خانواده سالمی در یک جامعه وجود داشته باشد، آن جامعه سالم خواهد شد و موارث فرهنگی خود را به صورت صحیح منتقل خواهد کرد (ر.ک؛ علی اکبری، ۱۳۸۴: ۱۴).

چنین ضرورتی برای ازدواج در آیات متعالی قرآن نیز منعکس شده است. از منظر قرآن، همین ازدواج است که پایه و اساس اجتماع را تشکیل می دهد؛ زیرا خانواده پایه و اساس جامعه بشری است و بدون ازدواج هرگز خانواده و در پی آن، جامعه بشری تحقق نخواهد یافت. خداوند متعال در قرآن کریم می فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِّنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا...﴾ (الحجرات / ۱۳). در این آیه، «شعوب» و «قبائل» فرع بر ازدواج و جفت و نیز شناخت فرع بر زندگی اجتماعی است. در این صورت، اگر تشکیل خانواده و تکثیر نسل به واسطه ازدواج نبود، طی کردن مسیر اجتماع و هموار شدن حیات انسانی امری دشوار بود. همچنین، قرآن در این زمینه می فرماید: «پاک و منزه است خدایی که همه ممکنات عالم را جفت آفرید؛ چه از نباتات، چه از نفوس بشر و دیگر مخلوقات که شما از آن آگاه نیستید!» (یس / ۳۶). در آیه ای دیگر نیز می فرماید: «و او خلق را جفت نر و ماده آفرید» (النجم / ۴۵).

خداوند متعال در نظام آفرینش همه موجودات را به صورت جفت آفریده است. گیاهان و حیوانات با همه تنوعی که دارند، به صورت جفت هستند. در نهاد این زوجیت، مسئله تکمیل و تکامل نهفته است. در آفرینش، موجودات به صورت فرد و تک، کامل نیستند یا نمی توانند راه کمال را بیمایند. طبق همین نظام آفرینش، خداوند متعال انسان ها را نیز به گونه ای آفریده که به صورت فردی و تنهایی نمی توانند به حیات سعادت مندانه ای دست یابند و زوج و جفتی دارند. انسان وقتی که به مرحله بلوغ جسمی، اجتماعی و

جنسی برسد، وظیفه تشکیل خانواده بر عهده او گذاشته می شود و او باید این مسئولیت را بپذیرد.

ازدواج یک سنت دیرینه اجتماعی است که از زمان های بسیار قدیم، بلکه از آغاز زندگی بشر مرسوم بوده است. ازدواج پیمانی مقدس است که در تمام اقوام و ملل مذهبی و غیر مذهبی و تمام اعصار و امکنه وجود داشته است. نظام خلقت الهی بر زوجیت همه پدیده ها و ازدواج بهنگام همه پسرها و دخترها استوار است. به همین دلیل است که همه مخلوقات الهی به صورت زوج آفریده می شوند. با تأملی در گستره هستی به نیکی و زیبایی درمی یابیم که جز ذات اقدس خداوندی که «احد»، «صمد»، «لم یلد و لم یولد» است و همتا و کفوی برای او متصور نیست، خالق هستی بخش، همه پدیده های هستی را بر پایه زوجیت آفریده است: ﴿سُبْحَانَ الَّذِي خَلَقَ الْأَزْوَاجَ كُلَّهَا مِمَّا تُنْبِتُ الْأَرْضُ وَمِنْ أَنْفُسِهِمْ وَمِمَّا لَا يَعْلَمُونَ﴾ منزله است خدایی که همه پدیده ها را جفت آفریده است؛ چه از نباتات و حیوانات، چه از نفوس بشر و دیگر مخلوقات و پدیده هایی که شما از آن آگاه نیستید ﴿یس / ۳۶﴾.

خالق صورتگر، خلقت انسان، این اشرف مخلوقات را در هیأتی از مؤنث و مذکر در حیات قبل از تولد و به هنگام تشکیل نطفه و فرایند ترکیب پیچیده و شگفت انگیز اسپرم و تخمک در رحم مادر، تصویر و مقدر می فرماید (ر.ک؛ افروز، ۱۳۸۹، ب: ۷-۶): ﴿هُوَ الَّذِي يُصَوِّرُكُمْ فِي الْأَرْحَامِ كَيْفَ يَشَاءُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ﴾ اوست که شما را در رحم (مادران) آنچنان که می خواهد، تصویر می کند. معبودی جز خداوند توانا و حکیم نیست ﴿آل عمران / ۶﴾.

در آیه قرآن که مسئله مودت و رحمت به عنوان رهاورد ازدواج مطرح شده است، به تأثیر این مودت و رحمت، حتی در عرصه اجتماع نیز می توان توجه داشت؛ چنان که برخی مفسران به این امر توجه کرده اند:

«وقتی قومی درباره اصول تکوینی خویش بیندیشند که آن اصول مرد و زن را وادار کرده به اینکه جامعه خانوادگی تشکیل دهند و نیز آن دو را به مودت و رحمت واداشت و آن مودت و رحمت نیز اجتماع مدنی و شهری را پدید آورد و چه آثاری بر این اجتماع مترتب شد، نوع بشری بقاء یافت و زندگی دنیایی و آخرتی انسان به کمال رسید، آن وقت متوجه می شوند که چه آیات عجیبی در آن‌ها هست و خدای تعالی چه تدابیری در امر این نوع از موجودات به کار برده است؛ تدابیری که عقل را حیران و دهشت‌زده می کند» (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۶۲، ج ۱۶: ۳۹۱-۳۹۳).

در مجموع، سیاق آیات الهی اجتماع انسانی و طی مسیر حیات انسانی را در گرو ازدواج و سنت زوج آفرینی می داند که در همه خلقت آن را تسری داده است و برای انسان در این زمینه حساب ویژه‌ای باز کرده است. در این صورت، ازدواج از این نظر اخلاقی است که منجر به تحقق حیات اجتماعی از یکسو و حفظ آن از آفات مختلف، به ویژه آفات اخلاقی خواهد شد. بدون ازدواج نمی توان نسل انسان‌ها را نسلی رشدیافته و سالم تلقی کرد و با نبود ازدواج و تشکیل خانواده باید منتظر افول اجتماع انسانی شد. از این نظر است که ازدواج امری بایسته و اخلاقی است و هیچ چیز نمی تواند جایگزین آن شود.

۲. استدلال به کارکردهای روان‌شناختی به سود اخلاقی بودن ازدواج

انسان اجتماعی‌ترین موجود زمین است و هیچ انسانی نمی تواند بدون ارتباط با دیگران زندگی کند. آدمی ترکیبی از جسم و روان است. برخی چنان پندارند که وجودشان به این جسم خاکی محدود است. در صورتی که این جسم، استراحتگاه موقتی روح شمرده می شود و روان آدمی به مونس، همدم و همراه نیاز دارد. اریک فروم، روانشناس آلمانی، می گوید: «انسان از لحظه‌ای که به دنیا می آید، تا آن دمی که از دنیا می رود، هر کاری که می کند، برای رفع احساس تنهایی خویش است» (کیهان‌نیا، ۱۳۸۱: ۱۵).

وقتی این تنهایی بیشتر شود، تکاپوی بشر برای جست و جوی یار و همراه فزونی می‌یابد. کامل‌ترین و جامع‌ترین نمود این جست‌وجو که قاعدتاً تمام زندگی فرد را تحت شعاع قرار می‌دهد، ازدواج است. دین مبین اسلام بر این سنت پاک و ارزشمند که جامعه را رقم می‌زند و موجب بقای نسل می‌گردد، بسیار تأکید کرده‌است.

این بنا به برنامه و نوعی مهندسی فکری و روحی نیاز دارد. ازدواج و تشکیل خانواده، حرکت از «من» به سوی «ما» است. نیازی مقدس و طبیعی است که از فطرت و آفرینش انسان‌ها سرچشمه می‌گیرد و نباید آن را یک قرارداد متعارف اجتماعی تلقی کرد؛ زیرا اگر این بنیان مقدس آسیب بیند، پیامدهای جبران‌ناپذیری دارد (ر.ک؛ خنیفر و پورحسینی، ۱۳۸۹: ۱۳۴-۱۳۶).

بیشترین دغدغه جامعه امروز، آرامش است. چه چیز می‌تواند چنین آرامشی را برای انسان معاصر به ارمغان بیاورد. آنچه می‌توان به اجمال از آن یاد کرد، اینکه از کارکردهای مهم ازدواج و تشکیل خانواده، آرامش روحی و امنیت و سکونت است که باعث احساس ارزشمندی انسان و به تبع آن، روحیه آرام او خواهد شد. از این نظر می‌توان برای ازدواج کارکردهای روان‌شناختی برشمرد. ازدواج مایه آرامش، محبت و مهربانی است، از ضروریات زندگی انسان به شمار می‌آید و هدف‌ها و نیازهای زیادی را تأمین می‌کند. مهم‌ترین نیازی که با ازدواج تأمین می‌شود، نیاز به آرامش و امنیت است.

یکی از بحث‌هایی که میدان تاخت و تاز نظریه‌های گوناگون شده، این است که چه چیزی سبب گرایش زن و مرد به یکدیگر می‌شود؟ چه عاملی زن و مرد را وادار می‌کند که به ازدواج بیندیشند و به آن تن دردهند؟

برخی در پاسخ به این پرسش، تنها میل جنسی را عامل اصلی گرایش زن و مرد به یکدیگر معرفی می‌کنند. در مقابل، قرآن با رد این نظریه می‌گوید انسان، اشرف موجودات جهان است. بنابراین، هدفی را که برای حیوانات اصل است و سبب گرایش نر و ماده حیوانی به یکدیگر می‌شود، نمی‌توانیم درباره او صادق بدانیم. قرآن، عامل اصلی

علاقه زن و مرد به یکدیگر را آرامش و سکونی معرفی می کند که در پرتو ازدواج به آن دست می یابند: ﴿هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَجَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا: اوست خدایی که همه شما را از یک تن آفرید و از او نیز جفتش را مقرر داشت تا با او انس و الفت گیرد﴾ (الأعراف / ۱۸۹). این آیه با تکیه بر یکی بودن اصل و گوهر زن و مرد، عامل اصلی گرایش را آرامش زن و مرد در کنار یکدیگر معرفی می کند. خداوند در جای دیگر در بیان فلسفه ازدواج می فرماید: ﴿وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ: و از نشانه های او اینکه از [نوع] خودتان همسرانی برای شما آفرید تا بدان ها آرام گیرید و میانتان دوستی و رحمت نهاد. آری، در این [نعمت] برای مردمی که می اندیشند، قطعاً نشانه هایی است﴾ (الروم / ۲۱). این آیه به صراحت می گوید که این مهربانی و آرامش را خود خداوند ایجاد کرده، در ذات زن و مرد قرار داده است. پس خود خداوند مهر و محبت همسران را در دل هم می گذارد و این محبت الهی آن دو را به سوی یکدیگر می کشاند. علامه طباطبائی در تفسیر المیزان، ذیل این آیه می نویسد:

«هر یک از زن و مرد در حد خود و فی نفسه، ناقص و محتاج به طرف دیگر است و از مجموع آن دو، واحدی تام و تمام درست می شود و به سبب همین نقص و احتیاج است که هر یک به سوی دیگری حرکت می کند و چون بدان رسید، آرامش و سکونت می یابد، چون هر ناقصی مشتاق به کمال است و هر محتاجی مایل به زوال حاجت و فقر خویش است» (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱۶: ۲۷۶).

بنابراین، عامل اصلی گرایش زن و مرد (همسران) به یکدیگر را که پیش زمینه ازدواج است، در آیات قرآن دیدیم. از همین آیات، هدف ازدواج نمودار می شود؛ زیرا ازدواج چون به آرامش قلبی زن و مرد می انجامد، در رستگاری و نزدیکی او به خداوند نیز نقش مهمی دارد.

تبیین این کارکرد و ضرورت نشانگر اهمیت چنین کارکردی در ازدواج است. قرار دادن همسر برای هر فرد موجب آرامش و امنیت خاطر است و ایجاد محبت و الفت بین زن و مرد در زندگی خانوادگی نیز از نشانه‌های حکمت و رحمت پروردگار است و قاعدتاً محیط خانه وسیله آرامش روحی زن و مرد قرار داده شده است. ازدواج علاوه بر آرامشی که برای طرفین ایجاد می‌کند، پایه و بنیان جامعه را محکم‌تر می‌کند.

در اوایل جوانی، احساس تنهایی، بیهودگی و نداشتن پناهگاه انسان را فرامی‌گیرد. ازدواج و قرار گرفتن در کنار همسری شایسته و دلسوز این احساس را از بین می‌برد و او را به آرامش روحی می‌رساند. این احساس آرامش به ثبات فکری و روحی، وقار، احساس ارزشمند بودن و لذت می‌انجامد. در واقع، دست آفرینش نوعی کشش درونی میان زن و مرد به ودیعت نهاده تا هر یک در سنین خاص خواهان یکدیگر شوند و اضطراب و پریشانی آنان از طریق ازدواج به سکونت و آرامش تبدیل گردد. دانشمندان علوم تجربی و انسانی نیز ارضای صحیح و به موقع غریزه جنسی و ترشح معتدل غدد جنسی را برای سلامت جسم و روان آدمی لازم دانسته، عدم آن را سبب پاره‌ای از بیماری‌های روانی و گاه جسمانی شمرده‌اند.

برای روشن شدن بهتر مطلب، تفسیر آیه فوق از کتاب تفسیر المیزان در ذیل نقل می‌شود. علامه معتقد است اینکه فرمود: ﴿أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا﴾، معنایش این است که برای شما و یا برای اینکه به شما نفع برساند، از جنس خودتان زوج آفرید. علامه طباطبائی نحوه نیل به چنین سکونت و آرامش روانی را چنین تبیین می‌کند:

«آری، هر یک از مرد و زن دستگاه تناسلی دارند که با دستگاه تناسلی دیگری کامل می‌گردد و از مجموع آن دو، توالد و تناسل صورت می‌گیرد. پس هر یک از آن دو فی نفسه ناقص و محتاج به طرف دیگر است، و از مجموع آن دو، واحدی تام و تمام درست می‌شود و به سبب همین نقص و احتیاج است که هر یک به سوی دیگری حرکت می‌کند و چون بدان رسید، آرام می‌شود» (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱۶: ۱۶۶).

ایشان پس از بیان این مطلب، برای چنین آرامشی علت شناسی کرده، کسب چنین آرامش روانی را تبیین فلسفی دینی می‌کند و می‌گوید: «چون هر ناقصی مشتاق به کمال است و هر محتاجی مایل به زوال حاجت و فقر خویش است و این حالت همان شهوتی است که در هر یک از این دو طرف به ودیعت نهاده شده است» (همان). اما وقتی به تبیین روان‌شناختی مسئله توجه کنیم، بسیاری از افراد عنصر عشق و محبت را بر پایه شهوت، صمیمیت و تعهد بنا کرده‌اند، حال آنکه قرآن سخن از مودت و رحمت می‌گوید و به بیان علامه:

«اینکه قرآن فرمود: ﴿وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً﴾، کلمه "مودت" تقریباً به معنای محبتی است که اثرش در مقام عمل ظاهر باشد. در نتیجه، نسبت مودت به محبت، نسبت خضوع است به خشوع، چون خضوع آن خشوعی را گویند که در مقام عمل اثرش هویدا شود، به خلاف خشوع که به معنای نوعی تأثیر نفسانی است که از مشاهده عظمت و کبریایی در دل پدید می‌آید» (همان).

در تفاسیر و تبیین این آیه، رحمت را نیز به معنای نوعی تأثیر نفسانی گفته‌اند که از مشاهده محرومیت محرومی که کمالی را ندارد و محتاج به رفع نقص است، در دل پدید می‌آید و صاحب‌دل را وادار می‌کند به اینکه در مقام برآید و او را از محرومیت نجات داده، نقصش را رفع کند (ر.ک؛ همان). در این صورت، این احتیاج روانی به رفع نقص در قالب ازدواج فراهم می‌آید و از این نظر منجر به سکونت و آرامش خواهد شد.

بر این اساس، خانواده محمل شکل‌گیری آرامش روحی و روانی اعضای خود است که یکی از روشن‌ترین جلوه‌گاه‌ها و موارد خودنمایی مودت و رحمت، جامعه کوچک خانواده است، چون زن و شوهر در محبت و مودت ملازم یکدیگرند و این دو با هم و مخصوصاً زن به فرزندان کوچکتر رحم می‌کنند، چون در آن‌ها ضعف و عجز مشاهده می‌کنند و می‌بینند که طفل صغیرشان نمی‌تواند حوایج ضروری زندگی خود را تأمین کند. لذا آن محبت و مودت وادارشان می‌کند به اینکه در حفظ و حراست، تغذیه، لباس،

منزل، و تربیت او بکوشند و اگر این رحمت نبود، نسل به کلی منقطع می شد و هرگز نوع بشر دوام نمی یافت.

ازدواج فرصتی برای بروز استعدادهاست. استعدادها برای بروز و تکامل خود نیازمند محیطی امن و آرامند. ازدواج برای جوان آرامش و آسایش ایجاد می کند، استعدادهای او را به حرکت درمی آورد و به او امکان می دهد که از آن به نیکی بهره برداری کند. همچنین، ازدواج موجب امنیت و آسایش است. اصولاً «بلوغ»، یعنی شکوفایی غریزه، برای پسر و دختر همواره یک بحران است. ازدواج این بحران را تسکین می دهد و محیط امن و آرامی برای جوان ایجاد می نماید، در سایه وجود عواطف خانوادگی، روح سرکش او مهار می شود و موجباتی برای برخورداری او از نیروی فکری فراهم می شود. همچنین، ازدواج موجب نجات از تنهایی می شود و به عقیده دانشمندان و فلاسفه، انسان موجودی مدنی الطبع و بالفطره اجتماعی است. از این رو، محتاج پناه، یاور و یاری دلداری است. ازدواج این فایده را دارد که آدمی را از تنهایی و اعتزال نجات دهد و همدلی در کنار او، در بستر او و در آغوش او قرار دهد تا وجودش را عین وجود خود بداند و در غم و دردش شریک باشد (ر.ک؛ محمودی، ۱۳۹۲: ۱۱۵).

بر اساس نگاه دینی، غایت ازدواج، رسیدن به کمال آرامش و احساس و نیز تجربه خوشبختی است و همه خواسته ها و مطلوب های مورد نظر، از نتایج و آثار پربرکت ازدواج است و نه هدف غایی آن. بنابراین، اصلی ترین معیار انتخاب همسر نیز باید با توجه به هدف غایی ازدواج، یعنی نیل به آرامش پایدار تبیین و ترسیم گردد (ر.ک؛ افروز، ۱۳۸۹، الف: ۲).

واقعیت این است که خداوند متعال برای تداوم و تربیت نسل توحیدی، انسان را در دو جنس زن و مرد قرار داد و هر یک را با ویژگی های فیزیکی و روانی متفاوت آفرید و جاذبه جنسی و عاطفی شدیدی میان آنان قرار داد. هر چند به لحاظ هستی شناسی، دلیل این تدبیرها تربیت نسل توحیدی است، با این حال، با نگاهی واقعیت شناختی، اکنون ما با

زن و مردی روبه‌رو هستیم که تفاوت‌های جنسی، جنسیتی، عاطفی و روانی با یکدیگر داشته، به شدت به یکدیگر تمایل دارند، بدان حد که ازدواج و رسیدن آن دو به هم، یکی از نیازهای حیات انسانی است. برآورده شدن این نیاز اساسی به آرامش می‌انجامد و برآورده نشدن آن موجب ناآرامی و اضطراب می‌گردد (ر.ک؛ پسندیده، ۱۳۹۳: ۵۸). به همین سبب، خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْتَبِرُونَ﴾ (الروم / ۲۱).

در تفسیر این آیه گفته شده است:

«منشاء گرایش مرد به زن و آرمیدن مرد در سایه انس به زن، مودت و رحمتی است که خداوند بین آن‌ها برقرار کرده است و این مودت الهی و رحمت خدایی غیر از گرایش غریزی نر به ماده است که در حیوانات هم وجود دارد؛ چیزی که مایه سکون است، همان مودت و رحمت الهی است که جاذبه‌ای معنوی بین زن و مرد ایجاد می‌کند، و گرنه شهوات نمی‌تواند نشانه‌ای از نشانه‌های خدا باشد و موجب آرامش گردد» (جوادی آملی، ۱۳۷۱: ۴۰-۳۹).

ازدواج برای زن و مرد یک وسیله آرامش و آسایش روحی و وسیله دلگرم شدن به تداوم فعالیت زندگی است. وسیله تسلی و وسیله پیدا کردن یک غمخوار نزدیک برای انسان در طول زندگی است. قطع نظر از نیازهای طبیعی انسان که نیازهای غریزی و جنسی می‌باشد، مسئله تولید نسل و داشتن فرزند هم خود از دلخوشی‌های بزرگ زندگی است (ر.ک؛ علی‌اکبری، ۱۳۸۴: ۱۵).

خداوند ازدواج را برای آرامش انسان در تکاپوی حیات و همگام شدن با همسری همدل و همرازی همراه در پیمودن طریق مستقیم و صراط جاودان قرار داد. از همین منظر، حیات غایی ازدواج، رسیدن به آرامش روان، اعتلای وجود و نیل به فلاح است و دعوت به فلاح، هدف و انگیزه بعثت انبیای الهی و غایت تربیت و شکوفایی وجود انسان می‌باشد؛ به دیگر سخن، فلسفه خلقت و زوج آفرینی، انگیزه بعثت و غایت تربیت انسان و

نیز با هدف ازدواج، همسو و هم جهت هستند. در این نگرش، ازدواج با نیت و انگیزه رسیدن به ساحل آرامش، فراهم شدن بستر شکفتن وجود و نیل به کمال انجام می پذیرد (ر.ک؛ افروز، ۱۳۸۹، ب: ۱۲).

تردیدی نیست که ازدواج و تشکیل خانواده موجب سکون و آرامش می شود، ولی برای یافتن دیدگاه باید عامل بنیادین را به دست آورد. باید پرسید: چرا تشکیل خانواده موجب آرامش می شود؟ شاید یکی از دلایل آن، ارضای غریزه جنسی باشد. هنگامی که غریزه جنسی انسان ارضا و از هیجان آن کاسته شود، انسان به آرامش دست می یابد. دلیل دیگر ممکن است تفاوت سرشت زن و مرد باشد که بر اساس آن، هر یک به دیگری نیاز دارد که همان نیاز به انیس و همدم از جنس مخالف است و در وجود انسان قرار دارد و با تأمین آن به آرامش می رسد. پرسش این است که چرا غریزه جنسی در وجود انسان قرار داده شده است و چرا انسان در دو جنس مختلف آفریده شده که با یکدیگر به آرامش برسند؟ این پرسش ها نشان می دهند هنوز لایه های عمیق تری وجود دارند که فلسفه ازدواج را باید در آن ها یافت (ر.ک؛ آشتیانی و آخوند، ۱۳۹۱: ۶۹).

با این بیان، روشن می شود که در فلسفه ازدواج، گذشته از رویکرد فرزندان، رویکرد همسران نیز باید مورد توجه قرار گیرد. بنابراین، دیدگاه دین، دیدگاهی ترکیبی و دو مؤلفه ای از «سکونت» و «تربیت نسل» است. بر اساس این دیدگاه، خانواده کانون انس و توحید خواهد بود؛ امری که می تواند ظرفیت و انگیزه بالایی برای سازگاری و کامیابی فراهم سازد. از یک سو، همسران به لحاظ تفاوت های جسمانی و روانی به یکدیگر نیاز دارند و خداوند متعال با نظر لطف و مرحمت خود، میان آنان مودت و رحمت قرار می دهد و از سوی دیگر، همسران با کمک یکدیگر به تربیت انسان های توحیدی همت می گمارند که از بُعدی دیگر، لطف خدا را موجب می گردد. مجموعه این دو امر، توجیه کننده قداست خانواده و ارزش الهی آن است که می تواند ظرفیت لازم و انگیزه ای قوی برای سازگاری و کامیابی فراهم آورد (ر.ک؛ پسندیده، ۱۳۹۳: ۵۹).

تحلیل بیشتر ضرورت روان‌شناختی را می‌توان با فرض نبود ازدواج و تشکیل خانواده یافت. در اصل برای استدلال برای ارزشمندی ازدواج با رویکرد روان‌شناختی می‌توان وضعیتی را در نظر گرفت که افراد به ازدواج و تشکیل خانواده تن نمی‌دهند. در این صورت، به یقین فردی که قابلیت‌ها و کفایت‌های لازم را برای ازدواج می‌یابد و از ازدواج امتناع می‌کند و یا به بهانه‌های مختلف عمداً ازدواج را به تأخیر می‌اندازد، به تدریج دنیایی از نگرانی‌ها، اضطراب‌ها، اندیشه‌های وسواسی، بدبینی و ناآرامی‌های درون را در زندگی تجربه می‌کند و این همان سنتی است که قرآن می‌فرماید: ﴿هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِّنْ نَّفْسٍ وَاحِدَةٍ وَجَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا: او خدایی است که همه شما را از یک فرد آفرید و همسرش را نیز از جنس او قرار داد تا در کنارش آرام گیرد﴾ (الأعراف / ۱۸۹).

با توجه به مباحث یادشده، اینکه قرآن غایت ازدواج و هدف آن را سکونت و آرامش بیان کرده است، می‌تواند به عنوان استدلالی قوی و به عنوان حد وسط قیاسی منتج در بحث خیر بودن و فضیلت بودن ازدواج از آن یاد کرد. با این حال، چگونه برخی متفکران علیه ازدواج استدلال کرده‌اند و آن را امری غیر اخلاقی برشمرده‌اند؛ گویی از سنت‌های الهی در قرآن است که انسان می‌تواند حیات انسانی خود را در بستر ازدواج طی کند و تنها با چنین ظرفیتی است که می‌تواند روی سکونت و آرامش را ببیند.

۳. کارکردهای تربیتی و اخلاقی به سود اخلاقی بودن ازدواج

ازدواج جدای از کارکردهای گفته‌شده می‌تواند در تربیت و اخلاق نیز تأثیرگذار باشد (اعم از اخلاق فردی، اخلاق اجتماعی و اخلاق صنفی و شغلی). گاهی این کارکرد هم جنبه بازدارندگی دارد و باعث دفع بسیاری از تهدیدهای غیر اخلاقی می‌شود و هم جنبه رفعی دارد و باعث می‌شود بسیاری از رذایل اخلاقی در انسان رخت برنندد. از سوی دیگر، تشکیل خانواده و پیوندی که بین اعضای آن برقرار می‌شود، انسان را از مسیر انحرافات اخلاقی نجات داده، زمینه بروز فضیلت‌های اخلاقی را در او ایجاد می‌کند. ثمرات مبارک‌تر تربیت اخلاقی خانواده، آن گونه که بیان شد، جامعه و محیط کاری را

نیز بهرمنند می سازد. از این رو، می توان برای اخلاقی بودن ازدواج استدلالی اخلاقی آورد و با حد وسط قرار دادن اخلاق به نفع اخلاقی بودن ازدواج سود برد.

برای تبیین این مطلب، نکاتی حائز اهمیت است. در اسلام بر ازدواج تأکید ویژه‌ای شده است و این تأکید به سبب اهمیت این مسئله است؛ چراکه تشکیل خانواده تأثیر عمیقی در تربیت انسان، رشد فضایل و ساخت و ساز انسان سالم از لحاظ عاطفی، رفتاری و روحی دارد (ر.ک؛ علی اکبری، ۱۳۸۴: ۱۵).

برترین هدف تشکیل خانواده، رشد اخلاقی و معنوی هر یک از اعضای آن است. پسر و دختر جوان زمینه‌های فساد را با تشکیل خانواده از خود دور و مسئولیت‌پذیری را تجربه می نمایند. همچنین، با تشکیل خانواده ایثار و از خودگذشتگی برای دیگران را تجربه می کنند و وفاداری، حُسن خلق، مدارا، تحمل سختی‌ها و بسیاری از صفات اخلاقی دیگر را در خود پدید می آورند، حفظ عفت و حیای فردی و اجتماعی از جمله محاسن و نتایج ازدواج صحیح است. ازدواج نه تنها مهم ترین تصمیم در زندگی فرد است، بلکه می تواند به عنوان مهم ترین تصمیم و اتفاقی باشد که در یک جامعه رخ می دهد. با ازدواج و تقویت حس مسئولیت پذیری، انسان از خودبینی به دیگربینی ارتقا می یابد و نسبت به جامعه نیز احساس مسئولیت بیشتری می کند. در واقع، خانواده تنها محیط مناسب برای تربیت صحیح کودکان و رشد فضایل اخلاقی در آنهاست و ایجاد خانواده سالم زمینه‌ای برای رفع نیازهای جسمی و روحی می باشد که شامل آرامش و آسایش، تکمیل و تکامل فردی است.

برزن و مرد لازم است که در پرتو کانون گرم خانواده به تکامل دست یابند و یکدیگر را با برخورداری از صبر و شکر که دو رکن ایمان است، یاری کنند. شرع مقدس اسلام در تشکیل خانواده، نه تنها ارضای جنبه جنسی را در نظر دارد، بلکه نکته مهم تری را برای حفظ عفت عمومی دنبال می کند که عبارت از «تهذیب نفس» است؛

زیرا محیط خانه و کانون گرم خانواده را بهترین مکتب برای خودسازی و کسب کمالات می‌داند (ر.ک؛ حسینی کلهرودی، ۱۳۸۱: ۲۴۲).

از بررسی بخشی از متون دینی چنین برمی‌آید که یکی از اهداف اصلی ازدواج، تربیت انسان‌های یکتاپرست است. در این دیدگاه، هم تداوم نسل و هم تربیت نسل وجود دارد. تداوم نسل جزئی از این دیدگاه است، اما محور و اساس آن نیست. هدف، تربیت و پرورش افرادی است که راه تکامل و یکتاپرستی را در پیش گیرند. از این رو، بسیاری از ممنوعیت‌ها در حوزه غریزه جنسی (همجنس‌خواهی و زنا) بر همین اساس شکل گرفته‌اند. بخش دیگری از متون به صورت مشخص، مسئله «تربیت نسل توحیدی» را بیان کرده‌اند. بدیهی است که تنها تداوم نسل نمی‌تواند هدف اصلی پیامبر^(ص) از روایات افتخار به کثرت امت باشد. اگر امت اسلام افزایش عددی یابد، ولی از تربیت دینی بی‌بهره باشد، چگونه می‌توان به آن مباحثات کرد؟ بر همین اساس، ملاک اصلی، تربیت نسل توحیدی است و روایات پیشین نیز بر همین اصل استوارند (ر.ک؛ همان: ۵۶).

پیامبر خدا^(ص) می‌فرماید: «چه چیزی از مؤمن جلوگیری می‌کند که برای خود زوجه‌ای بگیرد، به امید آنکه خداوند فرزندی را نصیب او کند تا زمین را به "لا إله إلا الله" سنگین نماید» (صدوق، ۱۴۰۴ق، ج ۳: ۳۸۲، ح ۴۳۴۰ و ر.ک؛ طبرسی، ۱۳۹۲، ج ۱: ۴۲۹، ح ۱۴۵۴؛ ابن ابی‌جمهور، ۱۴۰۵ق، ج ۳: ۳۵ و حرّ عاملی، ۱۳۶۷، ج ۱۴: ۳، ح ۳). در این حدیث، تصریح شده است که اهل ایمان برای دستیابی به نسل توحیدی تشکیل خانواده دهند.

پیامبر اکرم^(ص) درباره جریان حضرت یوسف^(ع) و برادرشان می‌فرماید: «یوسف، پسر یعقوب، برادرش را ملاقات کرد و گفت: ای برادر! چگونه توانستی [با وجود غم فراق] پس از من ازدواج کنی؟ گفت: پدرم مرا امر کرد و فرمود: اگر می‌تواند برای تو ذریه‌ای باشد که زمین را به تسبیح سنگین نمایند، انجام ده» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵: ۳۳۳ و ۳۲۹ و

مجلسی، ۱۴۰۳ق.، ج ۱۲: ۲۶۶، ح ۳۳). آنچه حضرت یعقوب^(ع) بر آن تکیه می‌کند، مسئله تربیت توحیدی است، نه چیز دیگر.

در تفسیر عیاشی به نقل از پیامبر خدا^(ص) آمده است که پیش از اینکه حضرت^(ع) خود را به بنیامین معرفی کند، گفتگویی میان نشان صورت گرفته که در بخشی از آن آمده است:

«حضرت یوسف به برادرش فرمود: تاچه اندازه در فراق برادرت اندوهگین بودی؟! گفت: آن قدر که یازده پسر برایم به دنیا آمد و بر هر یک نامی نهادم که از نام او اشتقاق می‌یافت. پس یوسف به او گفت: چنان می‌نماید که به همسرگزینی و فرزندخواهی تمایل داری؟ بنیامین به او گفت: پدری نیکوکار دارم و او گفت ازدواج کن، شاید خداوند از تو ذریه‌ای بیرون آورد که زمین را به تسبیح سنگین کنند» (عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۲: ۱۸۴، ح ۴۵؛ الراوندی، ۱۴۱۸ق.: ۱۳۰، ح ۱۳۴ و صدوق، ۱۴۱۴ق.: ۳۲۱، ح ۳۷۵).

این متون نشان می‌دهد که یکی از فلسفه‌های اساسی ازدواج و تشکیل خانواده، تربیت نسل توحیدی است.

از نظر اسلام، ازدواج وسیله‌ای برای حفظ پاکدامنی، پاکدامن زیستن و کسب اخلاق نیک است. پیامبر خدا^(ص) به زیدبن حارثه فرمودند: «ازدواج کن تا پاکدامن باشی» (نوری، ۱۴۰۸ق.، ۱۴: ۱۵۳). در سخنی دیگر فرمودند: «مردان را زن دهید تا خدا اخلاق آنان را نیکو، ارزاق ایشان را وسیع و جوانمردی آنان را زیاد گرداند» (همان). در روایتی دیگر، به زنی که گفته بود دیگر ازدواج نخواهم کرد، فرمودند: «ازدواج برای حفظ عفاف لازم است» (همان). در حدیثی دیگر، رسول اکرم^(ص) فرمود: «ای گروه جوانان، هر یک از شما که می‌تواند ازدواج کند، در این زمینه اقدام نماید؛ زیرا با ازدواج می‌توان چشم و دامن را از گناه بازداشت و هر کس که توانایی ازدواج را ندارد، روزه بگیرد؛ زیرا روزه از شهوت می‌کاهد» (همان).

با توجه به این بُعد، محیط خانه مکتب بسیار سازنده‌ای است، به طوری که منشاء بسیاری از صفات خداپسندانه است و بسیاری از صفات منفی و ناپسند هم در اثر تشکیل ندادن خانواده پیدا می‌شود، چون تجرد و ندادن پاسخ معقول به نیازهای غریزی، شخص را در معرض انحرافات اخلاقی و رفتاری قرار می‌دهد و در برخی روایات، کسانی که تا دم مرگ مجرد بمانند، بدترین مردگان معرفی شده‌اند؛ به عنوان نمونه، پیامبر^(ص) فرمود: «بدترین مردگان شما عزب‌ها هستند» (مجلسی، ۱۴۰۳ق.، ج ۱۰۰: ۲۲۰؛ همان، ۱۴۰۶ق.، ۸: ۸۶ و حرّ عاملی، ۱۳۶۷، ج ۱۴: ۸، ح ۷). در برخی روایات نیز به کسانی که زمینه ازدواج جوانان را فراهم می‌سازند، پاداش‌های اخروی وعده داده شده است؛ مثلاً امام صادق^(ع) می‌فرماید: «مَنْ زَوَّجَ عَزْبًا كَانَ مِمَّنْ يَنْظُرُ اللَّهُ إِلَيْهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ: هر کس مقدمات ازدواج مجردی را فراهم آورد، جزء کسانی خواهد بود که خداوند در روز قیامت به آن‌ها [به مهربانی و رأفت] می‌نگرد» (کلینی، ۱۴۰۷ق.، ج ۵: ۳۳۱).

ازدواج آگاهانه و بابرنامه، برج مراقبت زندگی است و ضرورت آن، به‌ویژه در این دوران که زندگی بشر پیچیدگی خاصی دارد، پوشیده نیست. رسول اکرم^(ص): «وَأَيُّمَا شَابٌ تَزَوَّجَ فِي حَدَاثَةِ سِنِّهِ عَجَّ شَيْطَانُهُ يَا وَيْلَهُ يَا وَيْلَهُ يَا وَيْلَهُ عَصَمَ مِنِّي دِينَهُ: هر جوانی که در دوره جوانی خود ازدواج کند، شیطانش فریاد برمی‌آورد که وای بر او! وای بر او! دین خود را از گزند من حفظ کرد» (متقی الهمدی، ۱۴۰۹ق.، ح ۴۴۴۴۱).

در خانه و اجتماع باید سلسله‌ای از تمایلات خود را فدا کنیم، وگرنه زندگی سخت خواهد شد. این فداکاری و گذشت، به‌ویژه در محیط خانه لازم‌تر و ضروری‌تر است. اگر زن و شوهر برای رضای خدا بر بداخلاقی یکدیگر صبر کنند، ثواب بسیار می‌برند و در خبر داریم: «مَا مِنْ عَلِيٍّ سَوَّءٍ خُلِقَ الْمَرْأَةُ أُعْطَاهُ اللَّهُ تُوَّابَ أَيُّوبَ فِي بَلَائِهِ وَمَنْ صَبَّرَتْ عَلَيَّ سَوَّءٍ خُلِقَ زَوْجُهَا أُعْطَاهَا تُوَّابَ آسِيَةَ: اگر مردی بر بداخلاقی زنش صبر کند، ثواب ایوب پیغمبر^(ع) را در بلایی که کشیده به او می‌دهد و اگر زنی بر بداخلاقی همسرش صبر کند، خداوند به او ثواب آسیه را عطا می‌کند» (حسینی کلهرودی، ۱۳۸۱: ۲۴۱).

در اسلام از تشکیل خانواده به عنوان سنت و برنامه پیامبر اکرم (ص) یاد شده است و دوری از آن به معنای پشت کردن به سنت پیامبر اکرم (ص) و در نتیجه، بیرون رفتن از حدود و مرزهای اسلام به شمار آمده است. پیامبر (ص) می فرماید: «در اسلام بنایی محبوب تر از ازدواج در نزد خداوند منان برپا نشده است» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۰۰: ۲۲۲). رسول اکرم (ص) در سخن دیگری می فرماید: «هیچ چیز نزد خدا بهتر از خانه ای نیست که در پرتو اسلام به وسیله ازدواج آباد شود» (حرّ عاملی، ۱۳۶۷، ج ۲۰: ۱۶).

ازدواج علاوه بر آرامش روانی و ارضای غریزه جنسی، تعهد و تکامل اجتماعی را در پی دارد و زمینه ساز بروز استعدادها و توانمندی های نهفته درونی می گردد. شهید مطهری درباره نقش ارزنده و اخلاقی ازدواج می گوید:

«... یک پختگی و پویایی وجود دارد که جز در پرتو ازدواج و تشکیل خانواده پیدا نمی شود، در مدرسه پیدا نمی شود، در جهاد با نفس پیدا نمی شود و در نماز شب پیدا نمی شود. این کمالات را فقط باید در ازدواج و تشکیل خانواده به دست آورد. لذا هیچ وقت نمی شود که یک کشیش و یک کاردینال به صورت یک انسان کامل دریابید، اگر واقعاً در کاردینالی خودش صادق باشد» (مطهری، ۱۳۷۱: ۳۹۸).

آیت الله مکارم شیرازی در این زمینه می نویسد:

«بعد از ازدواج، شخصیت انسان تبدیل به یک شخصیت اجتماعی می شود و خود را مسئول حفظ همسر و آبروی خانواده و تأمین وسایل زندگی فرزندان آینده می بیند. به همین دلیل، تمام ابتکار و استعداد خود را به کار می گیرد و از ظرفیت های وجودی خود کمال استفاده را می برد و به بالندگی بیشتری نائل می شود» (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۶۲، ج ۱۴: ۴۶۵).

از نظر قرآن، نه تنها زن و مرد آرام بخش یکدیگرند، بلکه زینت یکدیگر نیز هستند. قرآن کریم می فرماید: ﴿هُنَّ لِيَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِيَاسٌ لِهِنَّ﴾: زن ها لباس شما هستند و شما هم لباس زن ها هستید ﴿البقره / ۱۸۷﴾. لباس در این آیه شریفه سه معنی دارد: «یکی اینکه زن

زینت مرد است؛ چنانچه لباس زینت اوست و مرد زینت زن است؛ چنانچه لباس زینت برای اوست. شاهد آن هم قرآن است که اطلاق زینت بر لباس کرده است و می فرماید: ﴿يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ﴾ ای بنی آدم، هنگام عبادت خود را تزئین نموده، بخورید، بیاشامید و اسراف نکنید که خدا مسرفان را دوست ندارد ﴿(الأعراف / ۳۱)﴾؛ یعنی وقتی می خواهید در اجتماع بروید، لباس های زیبای خود را بپوشید. وقتی می خواهید نماز جمعه بروید و یا به نماز جماعت بروید، نظافت کنید و متزین بروید. لذا در اینجا بر «لباس» اطلاق «زینت» شده است و معنای هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَّهُنَّ چنان می شود که زن ها زینت شما و شما زینت آن ها باشید.

معنای دیگر اینکه زن سبب می شود که مرد انحراف نداشته باشد و مرد سبب می شود که زن انحراف نداشته باشد. معنای سوم این است که زن و مرد سائر یکدیگرند. آن مردی که زن ندارد، همانند این است که ستر عورت ندارد و آن زنی که شوهر ندارد، نظیر آن است که ستر عورت ندارد. بالأخره این آیه شریفه می فرماید: «مرد و زن زینت یکدیگرند و باید این زینت را مراعات کنیم» (مظاهری، ۱۳۸۶، ج ۱: ۱۸۲-۱۸۳).

خانواده گذشته از توجه مستقیم، با ایجاد فضایی همراه با آرامش، امنیت و ارضای نیازهای جنسی و عاطفی همسران، غیر مستقیم آنان را از گرایش به کج روی بازمی دارد. امیل دورکیم در بررسی پدیده خودکشی در چند کشور اروپایی دریافت که ازدواج افراد را از خودکشی بازمی دارد و نیز افراد صاحب فرزند کمتر از افراد متأهل بی فرزند خود را به قتل می رسانند. دورکیم بر پایه دیده ها و آمارگیری های خود، نظریه همبستگی اجتماعی را مطرح کرد و ضعف پیوندهای اجتماعی اشخاص را عامل خودکشی آنان دانست. روشن است که آرامش روانی حاصل از ازدواج، حس مسئولیت پذیری انسان را بارور می سازد، در برابر دشواری های زندگی به او شکیبایی می بخشد و شور و نشاط او را در فعالیت هایش افزایش می دهد. فرد در ازدواج احساس می کند که از نتیجه زندگی، کار و تلاش او، هم خودش و هم عزیزترین کسانش بهره مند می شوند. این احساس شور

و نشاط، در فرد مجرد و یا بدون خانواده شکوفا نمی شود و همین عامل از او فردی بی مسئولیت می سازد که در برابر مشکلات به آسانی تسلیم می شود. چنین شخصی به دلیل نداشتن پناهگاه مطمئن عاطفی و روانی، اگر برای جبران شکست ها و ناکامی های خود به جرم و جنایت گرایش نیابد، به خودکشی پناه می آورد (ر.ک؛ بستان، ۱۳۹۲: ۹۸-۹۹ و آشتیانی و آخوند، ۱۳۹۱: ۷۸).

نتیجه گیری

اهمیت و ضرورت ازدواج جدا از اینکه امری دینی و سنت پیامبران است، مورد تأکید عقل و خرد جمعی است و این اقتضای عقلی و فطری باعث شده نهاد خانواده تاکنون به حیات خود ادامه دهد و جایگزین های رغیب را برنتابد. با این وصف، تحلیل آموزه های قرآنی در بیان اهمیت و ضرورت تشکیل خانواده در ابعاد مختلف حائز اهمیت است.

در این مقاله، سه حوزه جامعه شناسی، روان شناسی و اخلاق و تربیت ابعادی است که می توان بر اساس آیات الهی ضرورت ازدواج و تشکیل خانواده را اثبات نمود. این آیات بیانگر آنند که انسان همواره به ازدواج و تشکیل خانواده محتاج است و در گرو خانواده می تواند سعادت خود را رقم بزند.

ازدواج باعث پویایی اجتماعی می شود و افراد را به صورت جمعیت هایی شناخته شده در کنار هم قرار می دهد. این جمعیت های کوچک در خانواده، مجموعه ای از پیوندهای فامیلی و قبیله ای را شکل می دهد که یکدیگر را حمایت می کنند و آنان را بر اساس منافع مشترک پیوند می دهد. این قبایل و خویشاوندان در اجتماع نظام یافته، باعث پویایی و نظم اجتماعی خواهد شد و از گسیختگی اجتماعی جلوگیری می کند، برخلاف جامعه ای که از ازدواج و تشکیل خانواده تهی شود. در این صورت، باید مرگ اجتماعی را به تماشا نشست.

در بُعد روانشناختی نیز ازدواج زمینه آرامش روانی افراد را فراهم می‌کند و از سرگردانی، حیرانی، بی‌مسئولیتی، احساس تنهایی، پریشانی، استرس، اضطراب و افسردگی‌ها نجات می‌دهد. این احساس ارزشمندی در گرو شکل‌گیری خانواده و ایجاد پیوندهای عاطفی در آن است.

ازدواج در تربیت و اخلاق نیز عنصری تأثیرگذار است و می‌تواند ضمن آنکه از بسیاری از انحرافات اخلاق فردی و اجتماعی جلوگیری نماید، حافظ سلامت اخلاقی افراد در عرصه‌های مختلف زندگی نیز می‌شود. احساس مراقبه‌ای که برای افراد در حوزه خانواده شکل می‌گیرد، مانع ظهور و بروز بسیاری از ناهنجاری‌های اخلاقی می‌شود، ضمن آنکه انسجام خانوادگی و پیوندهای شکل گرفته انسان را وادار به حفظ و حراست اخلاقی از خود و اعضای دیگر خانواده می‌کند.

این سه کارکرد عمده سه استدلال برای ارزشمندی ازدواج و تشکیل خانواده است و پاسخی است برای کسانی که ازدواج را امری غیراخلاقی برشمرده‌اند. این استدلال‌ها در آیات قرآن کریم متجلی شده‌است و بسیاری از جامعه‌شناسان، روان‌شناسان و دانشمندان اخلاقی بر محتوای آن پای فشرده‌اند. شاید جامعه‌تهی از ازدواج را اگر فرض بگیریم، بیشتر می‌توان به قوت استدلال‌های قرآن بر اخلاقی بودن ازدواج پی برد؛ امری که این مقاله تا حدودی آن را بررسی و مرور نموده‌است.

منابع و مأخذ

- اسلامی، سید حسن. (۱۳۹۲). «ازدواج به مثابه اقدامی اخلاقی؛ پاسخ به سه استدلال». *فصلنامه اخلاق*. ش ۳۲. صص ۳۶-۹
- آشتیانی، مهدیه و سکینه آخوند. (۱۳۹۱). «اهداف ازدواج و کارکردهای آن از منظر اسلام». *علوم اجتماعی (طهورا)*. ش ۵. صص ۱۳-۵۵-۸۳

- ابن ابی جمهور، محمدبن زین الدین. (۱۴۰۵ق.). *عوالی اللئالی العزیزیه فی الأحادیث الدینیة*. تحقیق مجتبی عراقی. ج ۳. قم: دار سید الشهداء للنشر.
- ابن بابویه قمی (صدوق)، محمدبن علی. (۱۴۰۴ق.). *من لایحضره الفقیه*. ج ۳. ترجمه علی اکبر غفاری. تهران: نشر صدوق.
- _____ . (۱۴۱۴ق.). *الأمالی*. ج ۱. قم: دار الثقافة.
- افروز، غلامعلی. (۱۳۸۹). الف. *روان‌شناسی ازدواج و شکوه همسری*. ج ۱. تهران: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.
- افروز، غلامعلی. (۱۳۸۹). ب. *مبانی روان‌شناختی ازدواج در بستر فرهنگ و ارزش‌های اسلامی*. ج ۶. تهران: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.
- بستان (نجفی)، حسین. (۱۳۹۲). *جامعه‌شناسی خانواده با نگاهی به منابع اسلامی*. ج ۲. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- پسندیده، عباس. (۱۳۹۳). *رضایت زناشویی*. ج ۴. قم: سازمان چاپ و نشر دار الحدیث.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۷۱). *زن در آیینه جلال و جمال*. تهران: مرکز نشر فرهنگی رجاء.
- حرعاملی، محمدبن حسن. (۱۳۶۷). *وسائل الشیعه*. ج ۱۴ و ۲۰. تهران: اسلامیه.
- _____ . (۱۴۱۲ق.). *هدایة الأئمة إلى أحكام الأئمة (ع)*. ج ۷. مشهد: آستان قدس رضوی (بنیاد پژوهش‌های اسلامی، آستانة الرضویة المقدسة، مجمع البحوث الإسلامية).
- حسینی کلهرودی، معصومه‌سادات. (۱۳۸۱). *کاوش‌های اخلاقی و تربیتی*. تهران: مؤسسه فرهنگی انتشاراتی آیه.
- خنیفر، حسین و مؤده پور حسینی. (۱۳۸۹). *مهارت‌های زندگی*. ج ۱۰. قم: مرکز نشر هاجر (مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه خواران).

- الراوندى، سعيدبن هبةالله. (۱۴۱۸ق.). *قصص الأنبياء*. تحقيق غلامرضا عرفانيان يزدي. مشهد: آستان قدس رضوى.
- شعيرى، محمدبن محمد. (بى تا). *جامع الأخبار*. نجف: مطبعة الحيدرية.
- طباطبائى، سيد محمد حسين. (۱۳۷۴). *تفسير الميزان*. ج ۱۶. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- طبرسى، فضل بن حسن. (۱۳۸۰). *تفسير مجمع البيان*. ج ۷، تحقيق و نگارش على كرمى. چ ۱. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامى.
- _____ (۱۳۹۲). *مكارم الأخلاق*. ج ۱. قم: منشورات الشريف الرضى.
- على اكبرى، محمدجواد. (۱۳۸۴). *مطلع عشق (گزیده‌ای از رهنمودهای حضرت آیت الله خامنه‌ای به زوج‌های جوان)*. چ ۵. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامى.
- عياشى، محمدبن مسعود. (۱۳۸۰). *تفسير العياشى*. ج ۲. تحقيق هاشم رسولى محلاتى. تهران: المكتبة العلمية.
- قى، عباس. (بى تا). *سفينة البحار ومدینة الحكم والآثار*. ج ۳. قم: كوثر الأدب.
- كلینى، محمدبن يعقوب. (۱۴۰۷ق.). *الكافي*. تحقيق على اكبر غفارى و محمد آخوندى. ج ۵. چ ۴. تهران: دار الكتب الإسلامية.
- كیهان نیا، اصغر. (۱۳۸۱). *جوانان و ازدواج*. تهران: انتشارات مادر.
- متقى الهندى، على بن حسام. (۱۴۰۹ق.). *كنز العمال فى سنن الأقوال والأفعال*. ج ۷، ۳، ۱ و ۱۶. تحقيق بكرى. بيروت: مؤسسة الرسالة.
- مجلسى، محمدباقر. (۱۴۰۳ق.). *بحار الأنوار*. ج ۱۲، ۲۰، ۴۴، ۱۰۰ و ۱۰۳. بيروت: دار إحياء تراث العربى.
- مجلسى، محمدتقى. (۱۴۰۷ق.). *روضة المتقين فى شرح من لا يحضره الفقيه*. ج ۸. تحقيق حسين موسى كرماني. چ ۴. قم: مؤسسه فرهنگى اسلامى كوشان پور.
- محمودى، آرمين. (۱۳۹۲). *اسلام و فرايند ازدواج*. چ ۱. تهران: انتشارات زيتون سبز.
- مطهرى، مرتضى. (۱۳۷۱). *تعليم و تربيت در اسلام*. تهران: صدرا.

- مظاهری، حسین. (۱۳۸۶). *اخلاق در خانه*. ج ۱. چ ۱۳. قم: نشر اخلاق.
- مکارم شیرازی، ناصر و دیگران. (۱۳۶۲). *تفسیر نمونه*. ج ۱۴ و ۱۶. قم: چاپخانه امیرالمؤمنین.
- نوری، حسین بن محمدتقی. (۱۴۰۸ق.). *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*. ج ۱۴. تحقیق مؤسسه آل‌البیت^(ع). قم: مؤسسه آل‌البیت^(ع).
- Mooller, dan. (2003). "an argument against marriage" **philosoph**. vol.78. the royal: institute of philosophy.

